

نوگل عاشق



شهید سید کاظم حسینی پور:

اگر امام نبود، ما امروز در لجنزار گناہان غرق بودیم.



شہید سید کاظم حسینی پور

اطلاعات شخصی شهید

نام و نام خانوادگی:	تاریخ شهادت: ۲۳/۵/۱۳۶۱
سید محمد کاظم حسینی پور	محل شهادت: قصر شیرین
نام پدر: سید مهدی	نحوه شهادت:
تاریخ تولد: ۱۰/۱/۱۳۴۶	اصابت ترکش خمپاره به گردن
محل تولد: اردکان	محل خاکسپاری:
میزان تحصیلات:	بهشت شهدای اردکان
اول متوسطه رشته تجربی	سن: ۱۵ سال و ۴ ماه
محل تحصیل:	سمت در جبهه: تک تیرانداز
دبیرستان شرف اردکان	نام یگان: تیپ نبی اکرم (ص)
وضعیت تاهل: مجرد	تعداد دفعات شرکت در جبهه:
شغل: محصل	۱ دفعه به مدت ۲ ماه
نام عملیات: پدافندی	

کودکی شهید:

اولین روز از فروردین سال ۱۳۴۶ هجری شمسی در اردکان و در خانه ای محقر اما پر از صفا ، صمیمیت ، تدین و عشق به ولایت، کودکی پا به عرصه وجود گذاشت که شادی عید را بر خانواده دو چندان کرد. پدر خانواده سید مهدی حسینی پور از فرهنگیان فعال در عرصه فرهنگ و عمران در شهر اردکان، بر اثر اعتقادات مذهبی و علاقه خاص به روحانیت به گفته خودش از فرط علاقه به حضرت آیت الله سید محمد کاظم یزدی او را «سید محمد کاظم» نام نهاد. و در دامن مادری متدین و ولایی رشد کرد.



دوران تحصیل شهید:

دوره ابتدایی را در اصفهان شروع کرد و پس از ۳ سال به اردکان آمد و در دبستان های آیت الله صدر و ارشاد اردکان ابتدایی را به پایان برد. دوره راهنمایی را در مدرسه راهنمایی سعدی گذراند، سپس وارد دبیرستان شرف شد و در رشته تجربی ادامه تحصیل داد. سید کاظم قصد داشت پس از اخذ دیپلم در حوزه علمیه ادامه تحصیل دهد؛ اما او در راه تحصیل علم و تکامل، راه کوتاهتری را انتخاب کرد و با پذیرفته شدن در دانشگاه شهادت، سریع به مقصد رسید.



فعالیت‌های سیاسی شهید:

دوران نوجوانی او مصادف با دوران انقلاب بود. با وجود صغر سن از فعالان انقلاب بود. حضور در مراسم مذهبی، پخش اعلامیه، شرکت در نماز جماعت و حضور در مسجد و جلسات دینی از خصوصیات بارز او بود.

از فعالیت‌های شهید پخش اعلامیه در سال ۵۶ بود. (با اینکه کوچک بود). شرکت مداوم در راهپیمایی‌ها داشت. در یکی از راهپیمایی‌ها که شهید قانع [شهید انقلاب شهرستان] به دست ساواکی‌ها شهید

شد. ساواک سید کاظم را تعقیب کرد و خوشبختانه نتوانستند او را پیدا کنند.

شهید حسینی پور از ارادتمندان به شهید مظلوم بهشتی و شهید رجایی بود. در اوایل انقلاب خیلی حرص می‌خورد از اینکه عکس شهید رجایی و بهشتی که او در کلاس زده بود بچه‌ها می‌کنند، می‌آمد خونه گریه می‌کرد که چرا بچه‌ها نمی‌فهمند.

ویژگی‌های اخلاقی شهید با خانواده:

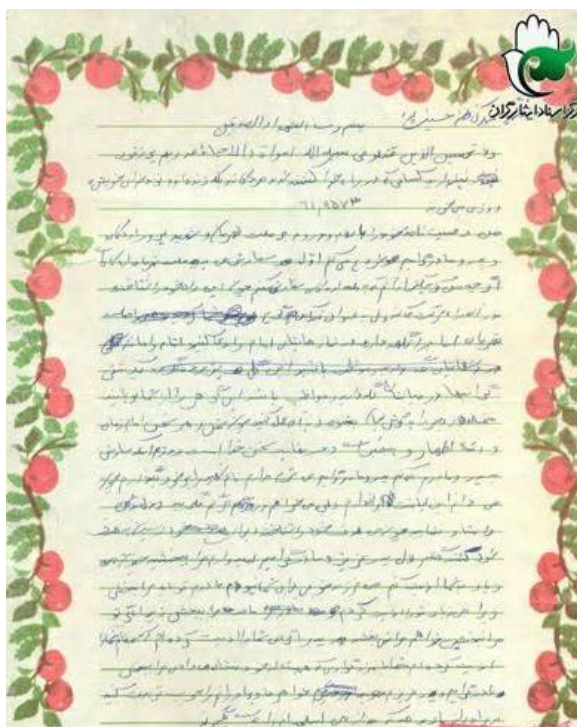
با پدر و مادر رفیق بود. درد دلش را می‌گفت و راهنمایی می‌خواست. از همان کودکی آقای و بزرگی را در او می‌دیدند. همه او را دوست می‌داشتند.

با همه دوستان و آشنایان مهربان بودند و به صله رحم خیلی اهمیت می‌دادند.

یک ماه که آموزشی رفته بود، وقتی برگشت از نظر اخلاق و رفتار خیلی عوض شده بود.

حجاب برای ایشان خیلی اهمیت داشت به طوری که به خواهرش در این مورد تاکید داشتند که برای بیرون از خانه حتما حجاب داشته باشد .

نامه شهید به خواهر:





ثبت نام در سنگر عشق:

عاشق بسیج و جبهه و شهادت بود. چندین بار مراجعه کرد و چون سنش کم بود اعزام نشد. وقتی خانواده به او می‌گویند: هنوز کوچکی، صبر کن آموزش بیشتر ببینی؛ پاسخ می‌دهد: مگر فریاد «هل من ناصر» حسین زمان را نمی‌شنوی؟ آیا می‌توان ساکت نشست و به این زندگی مادی دل خوش کرد؟ جواب حضرت فاطمه (سلام الله) را چه خواهید داد. اگر فرزندش را یاری نکنم؟

روزی که فرم پذیرش بسیج جهت اعزام گرفته بود، شادترین روز
عمرش بود. درس را رها و سنگر عشق و شهادت و جبهه را برگزید.
کلاس دوم دبیرستان بود که به جبهه اعزام شد.

یک دفعه به جبهه اعزام شد و مدت ۲ ماه از بهترین زمان عمر و
جوانی خویش را در جبهه ها به جهاد پرداخت.



زمان شهادت:

سید کاظم سرانجام در تاریخ ۲۳/۵/۱۳۶۱ در جبهه غرب در منطقه قصر شیرین بر اثر اصابت ترکش به گردنش به آرزوی دیرینه خود دست یافت و روح بلندش از قفس کوچک تنش آزاد و به ملکوت پر واز کرد و عروس شهادت را در آغوش کشید. پیکر پاکش پس از تشییع با شکوه بر دوش امت شهید پرور و انقلابی در بهشت شهدای اردکان در جمع شهدای انقلاب به خاک سپرده شد.

وصیت نامه شهید :

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم
يرزقون»

نپندارید کسانی که در راه خدا کشته شدند مردگانند بلکه زنده اند
و نزد خدای خویش روزی می خورند

من وصیت نامه خود را باسلام و درود بر ملت وقهرمان و شهید پرور
اردکان و پدر و مادر گرامی ام شروع می کنم اول سفارش من به
ملت قهرمان اردکان این است اگر چه من کوچکتر از آنم که به ملت
اردکان سفارش بکنم چون این راه خود راشناخته و در آن راه حرکت
می کنم ولی به عنوان تذکر می گویم . ملت قهرمان امام را نگهدارید
در نمازهایتان امام را دعا کنید امام را مانند یک شئی گرانبها در
میانتان نگهدارید و مواظب باشید این گوهر را از شما نربایند .
سخنان رهبر را به گوش جان بشنوید و به آن عمل کنید چون
سخن رهبر سخن امام زمان و ائمه اطهار و پیغمبران است و در
نهایت سخن خدا است و دوم اینکه سفارش به پدر و مادرم می کنم.
پدر و مادر گرامیم من شرم دارم نام شهید را برخود بگذارم چون

می دانم این لیاقت را ندارم ولی می خواهم در مرگم نگرید و دل دشمن را شاد ننمائید چون من هدف خود را شناخته و برای رسیدن به هدف خود کشته گشتم.

ولی پدر عزیزو مادر گرامییم امیدوارم مرا ببخشید چون من زیاد به شما اذیت کردم من فرزند خوبی برای شما نبودم مادرم باید مرا ببخشی زیرا من زیاد تو را اذیت کردم . مادر مرا ببخش زیرا اگر تو مرا نبخشی خدا هم مرا نمی بخشد . پدر اگر من شما را اذیت کرده ام که حتماً شما را اذیت کرده ام شما با بزرگواری که همیشه از خود نشان دادی مرا ببخشی مادر گرامییم و عزیزم ، خواهرها و برادرانم خوب تربیت کنیدبه برادرانم یاد بدهید که بعد از من اسلحه ام را بدست بگیرند.

یادش گرامی و روحش شاد و راهش پر رهرو باد.